

به نام خدا

فهرست مطالب

- ۱..... سخن نخست
- ۲..... خطرهای ایران هسته‌ای
- ۷..... زمان تهاجم دیپلماتیک علیه ایران فرا رسیده است
- ۹..... آیا می‌توان گفتگوهای هسته‌ای با ایران را حفظ کرد؟
- آزمایش اسرائیل درباره کرم رایانه‌ای نقش اساسی در تأخیر برنامه هسته‌ای ایران داشته است ۱۲
- نقش ترکیه در مذاکرات با ایران ۱۴
- ایران کمربندها را محکم بسته است..... ۱۸
- چشم‌انداز ایران ۲۰
- بازی دوگانه ایتالیا و آلمان در ایران ۲۲
- توانایی‌های هسته‌ای، شیمیایی و بیولوژیکی ایران ۲۵
- طلوعی دیگر: دوره‌ای جدید در تاریخ خاورمیانه ۲۷
- آمریکا باید اعتراض‌های خیابانی را تقویت کند ۳۰
- ایران در پی نوسازی فناوری اتمی است..... ۳۳
- ایران، اعتراض‌های کشورهای عربی را پیروزی اسلام‌گرایان می‌داند ۳۶
- خشم مردم از آمریکا در خاورمیانه و ملامت آمریکا از سیاست‌های خود ۳۸
- سکوت اسرائیل در قبال عبور کشتی ایرانی از کانال سوئز..... ۴۲

ماهنامه کاوش (۴۰)



سخن نخست

یکی از مهمترین مسائل مؤثر در حوزه سیاستگذاری خارجی، درک شرایط بین‌المللی و اتخاذ سیاست‌های مناسب در پرتو شناخت پشتوانه‌های فکری قدرت‌های رقیب است. این شناخت از طریق آگاهی از رویکردها، برداشتها و نگرش‌های سایر بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نسبت به تحولات نظام بین‌الملل به دست می‌آید و می‌تواند نقش مهمی در روند تصمیم‌سازی یک سیاست خارجی مؤثر داشته باشد. بدین منظور، ماهنامه کاوش با هدف انتقال چکیده مهمترین مباحث تحلیلی و خبری گروه‌های فکری و پژوهشی و رسانه‌های معتبر بین‌المللی، تلاش دارد تا به بررسی عمده‌ترین مطالب ماه گذشته برخی از مهمترین مجلات علمی، سایت‌ها و پایگاه‌های تحلیلی غربی در قبال مسائل ایران بپردازد. براین اساس، در شماره ۴۰ کاوش، مقالاتی در مورد پرونده هسته‌ای ایران و سایر موضوعات جدید و مرتبط با روابط خارجی ایران و کشورهای منطقه، انتخاب و منعکس شده است. مسلماً درج این مطالب و تحلیل‌ها تنها جهت اطلاع و مراجعه بعدی اندیشمندان و محققان محترم بوده و به منزله تأیید آنها از جانب دفتر سیاسی مرکز پژوهش‌های مجلس نیست. ماهنامه کاوش در همین حال جهت تقویت و بهبود رویه خود از پیشنهادها و انتقادات اندیشمندان محترم استقبال می‌کند.



عنوان: خطرهای ایران هسته‌ای^۱

نویسنده: اریک ادلمن و دیگران

منبع: Foreign Affairs^۲

دیپلماسی و تحریم تنها توانسته است راه ایران در دستیابی به بمب اتمی را سخت‌تر کند. همچنین اقدامات مخفیانه هم تا حدودی توانسته است این پروسه را کمی عقب بیاورد، اما به نظر نمی‌رسد بتواند تأثیر چندانی در توقف کامل چرخه سوخت هسته‌ای ایران ایجاد کند. حتی شاید حمله نظامی اسرائیل هم نتواند این برنامه را عقب بیاورد زیرا توان نظامی اسرائیل برای حمله محدود است و به همکاری و مشارکت آمریکا برای اقدام نظامی علیه ایران نیز نیاز دارد. همچنین اقدام نظامی این خطر را دارد که با پاسخ متقابل مواجه شود و ممکن است محبوبیت نظام سیاسی ایران را در میان مردم افزایش دهد. علاوه بر این اقدام نظامی باعث می‌شود ایران پروسه غنی‌سازی هسته‌ای را سرعت داده و اهداف آمریکا و متحدان در منطقه را هدف قرار می‌دهد. با این حال اجرای سیاست‌های بازدارنده در مقابل ایران هم سخت و دشوار است و شاید نتوان آن را در طولانی مدت اجرا کرد. پس آمریکا چه باید بکند؟

در حال حاضر، بهترین استراتژی برای آمریکا در مقابله با ایران هسته‌ای، اجرای سه‌گانه دیپلماسی همراه با تحریم و اقدامات مخفیانه و پنهانی است که باید همراه با تهدید به حمله نظامی باشد.

براساس این اول، آمریکا باید انزوای بین‌المللی ایران و منزوی کردن جریانات

1. Eric S. Edelman, Andrew F. Krepinevich Jr, and Evan Braden Montgomery, "The Dangers of a Nuclear Iran", Foreign Affairs, January/February 2011.

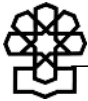
۲. «روابط خارجی» یکی از مهمترین فصلنامه‌های تخصصی در حوزه سیاست بین‌الملل است.



رادیكال درون نظام ایران و دور کردن پراگماتیست‌ها و عملگرایان از دولت را در دستور کار قرار دهد و به تحریم ادامه دهد تا هزینه اقدام اتمی و نظامی ایران به شکل گسترده‌ای افزایش یابد.

در این زمینه هرچند این سیاست‌ها تا به حال پیگیری شده ولی نتیجه نهایی‌ای نداشته است؛ اما در همین محیط سیاسی ایران هم می‌تواند هزینه‌ها را بالا ببرد. اگر فشارها بر ایران افزایش یابد و برنامه اتمی به تعویق بیفتد، مردم ایران متوجه افزایش این هزینه خواهند شد و بالاخره واکنش نشان خواهند داد. بنابراین گزینه تداوم فشارهای دیپلماتیک برای آمریکا بهترین است، زیرا که هم به اقدام نظامی متوسل نمی‌شود و هم اینکه بحث گمراه‌کننده اقدام نظامی در میان برنامه‌ها گم نمی‌شود.

دوم، گزارش‌های اخیر نشان می‌دهد چند دولت دست به کار تخریب در برنامه اتمی ایران هستند. اگر این طور باشد و این برنامه‌ها موفق پیش رود، به اندازه کافی وقت خواهد بود تا دیپلماسی ادامه پیدا کند و قدرت نظامی هم تقویت شود تا بتوان جلوی تهدید ایران را گرفت. در این زمینه، هرگونه تخریب علیه تأسیسات هسته‌ای ایران بسیار مهم و مؤثر است و می‌تواند استراتژی مناسبی باشد و آن قدر تعویق در فعالیت‌های هسته‌ای ایران ایجاد کند تا زمان کافی برای تهیه بمب وجود نداشته باشد. با این وجود شاید این گزینه عملاً سیاست اصلی ایران نیز باشد زیرا که اولاً ابهام‌هایی ایجاد می‌کند و ثانیاً زمان حمله پیشگیرانه را به تعویق می‌اندازد. بنابراین ایران می‌تواند با ابهام‌های زیاد یک بمب کوچک ساخته و آن را به سرعت به برنامه موشکی وصل کرده و آن را آزمایش کند یا اینکه مدام اعلام کند که فعالیت‌های هسته‌ای آن با

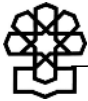


مشکل روبه‌رو شده است تا در فرصت مقتضی اعلام کند که مواد لازم برای یک بمب کامل را به دست آورده است. با این وجود هنوز کاملاً مشخص نیست که ایران کدام یک از این دو سیاست را به کار می‌گیرد یا گرفته است.

سوم، آمریکا باید قدرت نظامی خود را سراسر خلیج فارس گسترش داده و بمبافکن‌های B2 بیشتری به منطقه بفرستد. همچنین آمریکا باید توان نظامی الکترونیک و جنگ‌افزارهای سبک و زیردریایی و نیروها نظامی و به‌ویژه نیروی هوایی بیشتری را به منطقه بفرستد. اضافه کردن این نیروها به نیروهایی که در حال حاضر در منطقه به سر می‌برند، توان دولت اواما را برای متقاعد کردن ایران در این مسئله که در صورت شکست دیپلماسی، اقدام نظامی محتمل خواهد بود، تقویت می‌کند. در واقع توان نظامی بیشتر، دیپلماسی را تقویت می‌کند. با این وجود، تا این لحظه، صحبت‌های رابرت گیتس وزیر دفاع آمریکا یا مایک مالن، رئیس ستاد مشترک آمریکا این بوده که بهتر است اقدام نظامی کنار گذاشته شود. اما باید توجه داشت که اگر ایران حس کند که اقدام نظامی در کار نخواهد بود، سخت می‌توان آن را متقاعد کرد که بسته‌های پیشنهادی را قبول کند. ضمن اینکه حضور نظامی سنگین آمریکا به ایران نشان می‌دهد که در صورت کنار گذاشتن برنامه دستیابی به بمب اتمی، منطقه از حضور آمریکا کم‌رنگ تر می‌شود. همچنین به متحدان آمریکا در منطقه هم این اطمینان را می‌دهد که تضمین امنیتی جدی است. از سوی دیگر حضور نظامی گسترده آمریکا در منطقه باعث می‌شود در صورت لزوم، اقدام نظامی سریعی علیه ایران انجام شود و در زمان نیز صرفه‌جویی شود. در این زمینه اگر قرار شود با حمله نظامی جلوی ایران گرفته شود، حضور گسترده نظامی آمریکا حتی امکان کنترل پاسخ ایران



را نیز به وجود می‌آورد. در این شرایط اگرچه پیدا کردن راه‌حل دیپلماتیک برای بازداشتن ایران از دستیابی به بمب اتمی بسیار مطلوب اما سخت است؛ ولی آمریکا دو امکان نه چندان جذاب دارد: یا اقدام نظامی علیه ایران و متوقف کردن آن و یا استراتژی بازدارندگی و کنار آمدن با ایران اتمی. راه حل نظامی همیشه یک اقدام ریسک‌برانگیز است و در این مورد نیز ریسک بالاتری دارد زیرا که نیروهای نظامی آمریکا در تیررس مرزهای غربی و شرقی ایران هستند. بنابراین پاسخ به اینکه آمریکا می‌تواند به اقدام نظامی علیه ایران دست بزند یا نه، به سه پرسش اساسی بازمی‌گردد: چقدر ایران به دستیابی به بمب اتمی نزدیک است؟ آیا حمله نظامی مؤثر خواهد بود؟ واکنش ایران چه خواهد بود و هزینه آن برای آمریکا و متحدانش چقدر است؟ در این زمینه باید توجه داشت که اقدام نظامی باعث می‌شود سیاست بازدارندگی و تمامی مشکلات آن را بتوان به شکل مفیدی و در چند نقطه اجرا کرد. از سوی دیگر نتایج ایران مجهز به بمب اتمی بسیار خطرناک است و شکل‌دهی یک سیاست بازدارندگی صحیح و مؤثر کار بسیار دشواری است. بنابراین اقدام نظامی را - هرچند راهی نیست - اما نمی‌توان آن را کنار گذاشت و صحبت از یک سیاست بازدارنده فقط در حرف آسان است و اجرای آن کار راحت نبوده و یا تا حدودی ممکن نیست زیرا که حضور نظامی گسترده نیاز دارد که هم در خاورمیانه سخت است و هم هزینه‌های زیادی دارد. همچنین به حضور در دریا و هم در خشکی نیاز دارد و به نصب سپر دفاع موشکی و به روز کردن تسلیحات و دیپلماسی مداوم و قوی و تحریم‌های بیشتر نیاز دارد که مجموع این اقدامات برای آمریکا بسیار سخت است. اما درک این مسائل برای آمریکا اگر بخواهد مشکل ایران اتمی را حل کند،



بسیار مهم و اساسی است. زیرا که با دستیابی ایران به بمب اتمی، منطقه خاورمیانه کاملاً دستخوش تغییر و تحول می‌شود. بنابراین در شرایط کنونی هنوز مشخص نیست که هزینه قبول کردن ایران اتمی و یا ریسک خارج شدن شرایط از دست آمریکا چقدر است. بنابراین به راحتی نمی‌توان ایران را به سوی بازدارندگی آن هم درحالی که برای حمله به منافع آمریکا و متحدانش در منطقه، کمین کرده است، کشاند.



عنوان: زمان تهاجم دیپلماتیک علیه ایران فرا رسیده است^۱

نویسنده: متیو فورمن

منبع: Council on Foreign Relations^۲

آمریکا در مذاکره با ایران در موضع برتر قرار دارد و علت این امر نیز تا حدودی ناشی از مشکلات فنی‌ای است که در برنامه غنی‌سازی ایران به‌وجود آمده است. شاید ترکیبی از عوامل از جمله تحریم‌ها و ویروس استاکس‌نت باعث تأخیر در برنامه ایران باشد. ایران همچنین ممکن است در هدف خود که ساخت سلاح هسته‌ای است دچار تردید شده باشد. دستیابی به بمب اتمی مستلزم منابع قابل توجه اقتصادی و یک تعهد عظیم سیاسی است که باید به مدت چندین دهه ادامه یابد. ایران هنگام جنگ با عراق، برنامه هسته‌ای خود را شروع کرد و هم‌اکنون پس از بیست‌وپنج سال هنوز حتی یک بمب نیز نساخته است. این درحالی است که ایران حتی از شبکه عبدالقدیرخان - دانشمند پاکستانی - نیز کمک دریافت کرده است. البته کره شمالی نشان داد که حتی فقیرترین کشورها نیز می‌توانند با گرسنگی دادن به مردم خود بمب بسازند؛ اما هنوز روشن نیست که آیا ایران حاضر است چنین هزینه‌ای پرداخت کند. ایران به غنی‌سازی اورانیم ادامه می‌دهد اما ظاهراً تحقیقات تسلیحاتی خود را متوقف کرده است. رهبران ایران قطعاً می‌دانند که فروپاشی اقتصادی چه تأثیری بر کارآمدی رژیم‌شان دارد و حوادث اخیر تونس نیز قطعاً در ذهن مقامات ایرانی تأثیرگذار است.

1. Matthew Fuhrmann, "Time for Diplomatic Offensive against Iran", Council on Foreign Relations, January 21, 2011.

۲. «شورای روابط خارجی» مهمترین نهاد مؤثر در سیاستگذاری خارجی آمریکا است.



از این رو آمریکا و متحدانش فرصت دارند که ایران را تحت فشار قرار دهند. اما با این وجود، اقداماتی مانند لفاظی‌های تند، تحریم‌های روزافزون و عملیات مخفیانه نیز مشکل را حل نمی‌کند. بنابراین هم‌اکنون زمان تهاجم دیپلماتیک است. ارائه مشوق‌های واقعی اقتصادی به ایران باعث می‌شود این کشور غنی‌سازی را رها کند. آمریکا و متحدان اروپایی‌اش در گذشته نیز مشوق‌هایی از جمله ساخت راکتور آب سبک و عادی‌سازی روابط تجاری و برداشتن تحریم صدور تجهیزات هواپیمایی به ایران را پیشنهاد کرده‌اند. اما این اقدامات آمریکا و اروپا تاکنون جواب نداده است. در واقع اگرچه برخی از پیشنهادها برای ایران جذاب نبوده است، اما عامل مهمتر این بوده است که رهبران ایران به صداقت غرب در ارائه این مشوق‌ها شک داشته‌اند. در این میان، ابهام در وعده‌های غرب نیز بر تردید ایرانی‌ها صحنه گذاشته است. با این وجود، این بار اگر پیشنهادات قبلی با تضمین‌های عمده امنیتی مطرح شوند شاید نتیجه متفاوتی حاصل شود. چنین سیاست‌هایی بدون خطر نیست اما تاریخ نشان داده است که این رویه می‌تواند اثربخش باشد. چنانچه دو کشور برزیل و آرژانتین در دهه هشتاد میلادی برنامه تسلیحات هسته‌ای‌شان را رها کردند.



عنوان: آیا می‌توان گفتگوهای هسته‌ای با ایران را حفظ کرد؟^۱

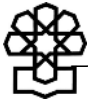
نویسنده: اولی هاینونن

منبع: Foreign Policy^۲

ایرانی‌ها در چهار سال گذشته اورانیم را تا سه‌ونیم درصد غنی‌سازی کرده‌اند. این درحالی است که در تمام این سال‌ها ایران تحت تأثیر شدیدترین تحریم‌ها هم قرار گرفته است. فوریه گذشته بود که ایران خبر اعلام غنی‌سازی اورانیم تا بیست درصد را هم اعلام کرد. همین خبر کافی بود تا غربی‌ها بیش از گذشته نگران برنامه هسته‌ای ایران شوند. ایرانی‌ها ادعا می‌کنند که اورانیم غنی‌سازی شده تا بیست درصد را برای استفاده در راکتورهای پزشکی نیاز دارند. این ادعا برخلاف هیاهوی غرب بسیار صحیح و بسیار قابل پذیرش است. هر کشوری این روزها برای درمان سرطان و دیگر بیماری‌های سخت علاج به این تجهیزات نیاز دارد. اما نگرانی غرب از برنامه هسته‌ای ایران در این ریشه دارد که کشوری که می‌تواند اورانیم را تا بیست درصد غنی‌سازی کند تا نود درصد هم راه‌چندانی ندارد. اورانیم تا نود درصد غنی‌سازی شده هم تنها یک مصرف دارد و آن استفاده در تولید تسلیحات هسته‌ای است. این نگرانی‌ها زمانی پررنگ‌تر شدند که میزان همکاری‌های ایران با آژانس بین‌المللی هم کاهش یافت. ایرانی‌ها بخش‌هایی از برنامه هسته‌ای خود را از تیررس نگاه غربی‌ها دور نگاه داشتند و همین مسئله، شک و تردید غرب را بیشتر کرد. سال گذشته زمانی

1. Olli Heinonen, "Can the Nuclear Talks with Iran Be Saved?", Foreign Policy, January 27, 2011.

۲. «سیاست خارجی» از مهمترین پایگاه‌های اطلاع‌رسانی و نشریات معتبر در حوزه روابط بین‌الملل است.



که غربی‌ها طرحی را برای انتقال اورانیم در اختیار ایران قرار دادند، همه خوش‌بین بودند و به این نتیجه رسیدند که بی‌شک این طرح می‌تواند آرامش را به پرونده هسته‌ای ایران بازگرداند. براساس این طرح تهران می‌توانست اورانیم نه چندان غنی‌سازی شده خود را در اختیار مسکو یا پاریس قرار دهد و در ازای آن اورانیم غنی‌سازی شده با درصد بالا دریافت کند. گفتگوهای بیشتر در این حوزه بی‌نتیجه به پایان رسید. در این فاصله زمانی، ذخیره اورانیمی ایران هم بیشتر شد. تهران در حال حاضر سه تن اورانیم غنی‌سازی شده در اختیار دارد که می‌تواند برای ساخت یک یا دو بمب کفایت کند. در سال ۲۰۱۲ میلادی، ایران با نسل جدیدی از سانتریفیوژها به روی کار می‌آید. با در اختیار داشتن این تجهیزات، ایران می‌تواند به راحتی اورانیم مورد نیاز برای تولید بمب هسته‌ای را تولید کند. با ایجاد مشکلات جدید در این سناریو راه برای آمریکا باز می‌شود تا با کمک دوستان غربی‌اش راهکاری جدید برای خروج پرونده هسته‌ای ایران از بحران بیابد. خط‌نهایی برای ایران این است که اورانیم مورد نیاز خود در راکتورهای پزشکی را از طریق دریافت کند. غرب هم می‌خواهد ایران از دستیابی به تسلیحات هسته‌ای در امان باشد. در حال حاضر ایران راکتور آب سنگین را در اراک می‌سازد. این راکتور از کیفیت بالایی برای تولید رادیو ایزوتوپ برخوردار نیست، اما پلوتونیوم تولیدی آن می‌تواند در تکثیر تسلیحات هسته‌ای نقش مهمی بازی کند. این راکتور را می‌توان با تغییر کارایی، تبدیل به ابزاری برای تولید اورانیم با درصد پایین کرد. ژوئن گذشته بود که ایرانی‌ها از ساخت راکتور تحقیقاتی دیگری خبر دادند. این راکتور قرار است تا پنج سال آتی آماده به کار شود. مقام‌های ایرانی از محل این راکتور پرده‌برداری نکرده‌اند. غرب می‌تواند به



تهران پیشنهاد ساخت راکتوری تحقیقاتی و مدرن را دهد و البته در ازای آن نیز همان طرح تبادل سوخت هم در اختیار ایران قرار گیرد. در این فضا ایران می‌تواند به ادعای خود در خصوص دستیابی به فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای جامه عمل بپوشاند و غرب هم می‌تواند از بابت عدم تکثیر اورانیم غنی‌سازی شده در خاک ایران مطمئن باشد. در این فضا غربی‌ها می‌توانند از طریق آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای میزان اورانیم در اختیار ایران را محدود نگاه دارند. براساس این طرح، چند سال فاصله زمانی تا ساخت راکتور تحقیقاتی مدرن در ایران به وجود می‌آید. در این فاصله ایزوتوپی هم در ایران تولید نمی‌شود. برای حل این مشکل، ایران می‌تواند از نسخه پیچیده شده برای دیگر کشورها استفاده کند. ایران می‌تواند مواد خام را از بازارهای جهانی خریداری کند و با استفاده از تأسیسات تحقیقاتی که در اختیار دارد کار خود را تا زمان به راه افتادن راکتور مدرن راه بیندازد. راکتور تحقیقاتی جدیدی که با کمک و مجوز غرب در ایران ساخته می‌شود به ذخیره اورانیم بالایی نیاز دارد و در نتیجه ذخیره امروز ایران می‌تواند در آن راکتور مورد استفاده قرار بگیرد. در این پروسه، ایران تا چند دهه دیگر از رادیوایزوتوپ به مقدار کافی برخوردار خواهد بود. البته این گام‌ها تماماً گام‌های اولیه هستند و ایران باید برای بازگرداندن اعتماد بین‌المللی چند قدم دیگر هم بردارد.



عنوان: آزمایش اسرائیل درباره کرم رایانه‌ای نقش اساسی در تأخیر برنامه هسته‌ای ایران داشته است^۱
 نویسنده: ویلیام براد جان مارکوف و دیوید سنگر
 منبع: Nytimes^۲

استاکس‌نت پروژه مشترک بین آمریکایی‌ها و اسرائیلی‌ها بود که با کمک آگاهانه یا ناآگاهانه آلمان‌ها و انگلیسی‌ها اجرا شد. کارشناسان می‌گویند در پس سیم‌های خاردار پیرامون دیمونا، اسرائیل روی سانتریفیوژهای هسته‌ای فعالی کار می‌کند که در واقع درست مانند سانتریفیوژهای ایران در نطنز است. تأسیسات نطنز مرکز غنی‌سازی اورانیم توسط دانشمندان ایرانی است که به گفته این کارشناسان در دیمونا کارایی و ویروس رایانه‌ای استاکس‌نت آزمایش شد. یک کارشناس آمریکایی اطلاعات هسته‌ای نیز بر این باور است که برای آزمایش ویروس باید دستگاه‌ها را شناخت و آن ویروس به این علت مؤثر واقع شد که اسرائیلی‌ها آن را آزمایش کردند. این ویروس روی سانتریفیوژهای پی - ۱ امتحان شده و آمریکایی‌ها مدل مربوطه را از لیبی دریافت کردند.

همچنین در روزهای اخیر مقامات آمریکایی که خواستند نامشان فاش نشود در مصاحبه‌هایی گفته‌اند به عقیده آنها مشکلات ایران بیش از حدی است که گزارش شده است. براساس اظهارات تعدادی از دانشمندان رایانه‌ای، کارشناسان غنی‌سازی هسته‌ای و مقامات رسمی سابق تلاش مخفی برای ایجاد استاکس‌نت، یک پروژه

1. WILLIAM J. BROAD, JOHN MARKOFF and DAVID E. SANGER, "Israeli Test on Worm Called Crucial in Iran Nuclear Delay", Nytimes, January 15, 2011.

۲. از قدیمی‌ترین و معتبرترین نشریات آمریکایی با تیراژ جهانی است.



مشترک بین آمریکایی‌ها و اسرائیلی‌ها بود که با کمک آگاهانه یا ناآگاهانه آلمان‌ها و انگلیسی‌ها اجرا شد.

نویسندگان این مقاله، هدف اسرائیل از طراحی این ویروس را چنین اعلام کردند: «اسرائیل مدت‌ها به دنبال راهی برای از کار انداختن توانایی ایران بود بدون آنکه سرزنش‌هایی را که ممکن است یک حمله نظامی آشکار به دنبال داشته باشد متوجه خود سازد یا جنگی به راه اندازد».

نیویورک تایمز با اشاره به اینکه روی آوردن اسرائیل به طراحی این ویروس پس از آن انجام شد که واشنگتن به درخواست تل‌آویو برای حمله به ایران پاسخ منفی داد، نوشته است: «دو سال قبل که اسرائیل هنوز فکر می‌کرد تنها راه حل برای مقابله با ایران هسته‌ای، یک حمله نظامی است و از بوش خواستار ارسال بمب‌های ضدپناهگاه‌های زیرزمینی سنگرکوب و تجهیزات دیگری شد که برای حمله هوایی ضروری می‌دانست، مقامات اسرائیل به کاخ سفید گفتند چنین حمله‌ای برنامه‌های ایران را تقریباً سه سال عقب خواهد انداخت اما این درخواست رد شد».

این روزنامه آمریکایی درباره این موضوع که به لحاظ سیاسی تصمیم به تولید استاکس‌نت چه زمانی گرفته شد، می‌گوید: «منشأ سیاسی این پروژه به ماه‌های اخیر دولت بوش باز می‌گردد. در ژانویه ۲۰۰۹ نیویورک تایمز گزارش داد بوش مجوز یک برنامه مخفی را برای تضعیف سیستم‌های الکتریکی و رایانه‌ای پیرامون نطنز - که مرکز غنی‌سازی اصلی ایران است - داده بود. باراک اوباما رئیس‌جمهور آمریکا نیز که حتی قبل از تصدی این سمت در جریان این برنامه قرار داده شده بود به آن برنامه شتاب داده و به گفته مقامات رسمی، اسرائیلی‌ها نیز همین کار را کردند».



عنوان: نقش ترکیه در مذاکرات با ایران^۱

نویسنده: جورج فریدمن

منبع: Stratfor^۲

مسئله هسته‌ای ایران و حل آن خیلی راحت و ساده است. در حال حاضر مشکل اصلی، مسئله هسته‌ای ایران نیست، بلکه مشکل خروج آمریکا از عراق، آینده نامعلوم این کشور و رقابت قدرت‌های منطقه‌ای بر سر حوزه نفوذ در این کشور است. در این میان نیز ترکیه به عنوان قدرت منطقه‌ای در حال ظهور، نقش تعیین‌کننده و بلامنازعی در موازنه قدرت در منطقه و به‌ویژه در عراق دارد. میزبانی ترکیه برای مذاکرات هسته‌ای ایران و گروه ۵+۱ فرصت مغتنمی برای ترکیه شمرده می‌شود که آنکارا در راستای ایجاد موازنه منافع بین طرفین که به نوعی به موازنه قدرت در منطقه مربوط است، می‌تواند از آن استفاده کند. در این زمینه باید در نظر داشت که ترک‌ها مخالف حمله آمریکا به عراق بودند زیرا آنها معتقد بودند جنگ در عراق برای ایجاد حکومت با ثبات در بغداد شکست می‌خورد و به موجب آن بی‌ثباتی منطقه را فرا می‌گیرد و این بی‌ثباتی در عراق، موازنه قدرت بین عراق و ایران را از بین می‌برد. ترک‌ها همچنین نگران تشدید بحران کردها در منطقه و در جنوب خاک خود بودند. ولی با این وجود بعد از جنگ، ترکیه موضع خود را تغییر داد. ترک‌ها در دوره بعد از جنگ هم به عنوان رهبری جهان اسلام و هم پلی بین جهان اسلام و غرب به‌ویژه آمریکا ظاهر شدند.

در این راستا برای تکمیل نقش ترکیه به عنوان پایتخت کشورهای اسلامی و هم

1. George Freedman, The Turkish Role in Negotiations with Iran, stratfor, January 11, 2011.

۲. از پایگاه‌های معتبر در حوزه مسائل استراتژیک است.



به‌عنوان میانجی بین ایران و غرب، ترک‌ها نقش مدیریت مذاکرات میان گروه ۵+۱ و ایران را به‌عهده گرفتند. با این وجود آمریکا از تلاش‌های اخیر ترکیه در رابطه با پرونده هسته‌ای ایران به‌همراه برزیل که همزمان با تحمیل و وضع تحریمات توسط گروه ۵+۱ علیه ایران بود استقبال نکرد. از نظر غرب، بازی ترکی - برزیلی در مورد مبادله سوخت هسته‌ای با ایران، اقدامی ناکافی و به‌لحاظ زمانی نامناسب بود.

درواقع، آمریکا در آن زمان که ترکیه و برزیل نقش یک‌جانبه‌ای را در موضوع هسته‌ای ایران بازی می‌کردند آمادگی پذیرش این نقش را نداشت و به همین دلیل با نتایج آن موافقت نکرد. ولی با گذشت زمان، ترس هسته‌ای فروکش کرد، تحریمات اعمالی ایران را محدود کردند و همزمان آمریکا درحال ترک کردن عراق شد و تا حدود زیادی از رویکرد مبارزه طلبانه آمریکا کاسته شد. بنابراین آمریکا در این برهه زمانی از نقش سازنده و میانجی ترکیه استقبال کرد. با این وجود مشکل اینجاست که درحال حاضر این نقش برای ایران مطلوبیت چندانی ندارد.

هم‌اکنون ترکیه با یک معما روبه‌رو شده است. از یک سو خواستار ادامه مذاکره توسط ترکیه به‌عنوان عامل بی‌طرف است، اما مهمترین بخش و مهمترین عامل منطقه‌ای یعنی عربستان سعودی کمتر مورد توجه قرار دارد این درحالی است که ترکیه به‌دنبال این است که نقش مسلط در جهان اسلام - بدون اینکه با تهدید به‌خصوص تهدید نظامی مواجه شود - بازی کند.

بنابراین مشکل ترکیه نزدیکی ایران و آمریکا نیست، بلکه نزدیکی ایران و عربستان است که برای ترکیه مشکل‌ساز خواهد بود. با این وجود نزدیکی این دو کشور هم تقریباً دور از ذهن است، درواقع نه تنها به‌دلیل مسائل مذهبی بلکه به این



دلیل که ایران می‌خواهد قدرت غالب در منطقه باشد و عربستان سعودی به‌شدت مخالف آن است، احتمال نزدیکی دو کشور کم است.

بنابراین مسئله هسته‌ای ساده است زیرا درحال حاضر این مسئله دیگر در اولویت قرار ندارد. آینده عراق و نامعلومی آن درحال حاضر حساس‌ترین مسئله است. آمریکا می‌خواهد عراق را ترک کند و این مسئله عراق را متحد ایران می‌کند. عراق طرفدار ایران، محوریت عربستان را تغییر خواهد داد.

اگر ترکیه بخواهد نقش سازنده و مثبت در میان طرف‌های درگیر بازی کند، باید فرمولی پیدا کند که سه نیاز را برآورده کند. اول تسهیل خروج آمریکا از عراق با کمترین قربانی. دومین مشکل، محدودیت نفوذ ایران در عراق است که ترکیه باید آن را حل کند. ترکیه باید منافع ایران در عراق را البته بدون اجازه به کنترل مطلق عراق تضمین کند. سومین نیاز، متقاعد کردن عربستان به این مسئله است که درجه‌ای از کنترل و نفوذ ایران در عراق، منافع عربستان را تهدید نمی‌کند.

در این شرایط، اگر آمریکا منطقه را ترک کند، ترکیه تنها نیرویی است که برای بازی کردن نقش فعال در عراق جهت ایجاد موازنه در برابر نفوذ دیگر کشورها مطرح است و هیچ کشوری با آن مخالف نیست، براین اساس ترکیه به‌عنوان قدرت مهمی در منطقه درحال ظهور است. ترکیه به‌سادگی می‌تواند انتخاب کند که در طرف ایران قرار بگیرد یا عربستان، اما استراتژی هیچ‌یک از این دو کشور در بلندمدت سازگار با امنیت ملی ترکیه نیست.

بنابراین از یک‌سو ترکیه موافق جنگ با ایران نیست و آشوب و هرج‌ومرج در عراق را هم به نفع خود نمی‌داند. درواقع ترکیه نمی‌خواهد بین عرب و فارس یکی را



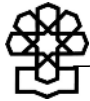
انتخاب کند. با این وجود، ترکیه به هیچ‌وجه نمی‌خواهد ایران را به‌عنوان قدرت هژمون منطقه ببیند. حال سؤال این است که ترکیه بالاخره درصدد انجام چه اقدامی است؟ و هر انتخاب ترکیه چه تهدیداتی ممکن است برای این کشور در پی داشته باشد؟ در این میان خطر فراروی ترک‌ها این است که در عراق، اعراب قدرت ایران را در صورتی‌که ایران بیش از حد از نفوذش در شبه جزیره عربستان استفاده کند، بپذیرند.

در مجموع باید در نظر داشت که قدرت منطقه‌ای بودن فقط یک مفهوم ساده نیست. فرآیند تبدیل شدن به قدرت منطقه‌ای، یک فرآیند پیچیده از موازنه منافع متناقض به‌منظور جلوگیری کردن از بروز تهدید بزرگ برای منافع ملی کشور در بلندمدت است. داشتن موقعیت میزبانی مذاکرات گروه ۵+۱ با ایران، فرصت استثنایی برای ترکیه است. ولی آیا ترکیه فقط میز مذاکره را برای مذاکرات تدارک می‌بیند یا می‌تواند در شکل‌گیری و برون‌داد این مذاکرات تأثیرگذار باشد.

تجربه مذاکرات گذشته به ترکیه نشان داد که آمریکا و هیچ کشور دیگری از آنها به‌خاطر اقداماتشان تشکر نخواهند کرد. البته هیچ‌کس هم فکر نمی‌کند میانجی بهتر از ترک‌ها برای این مسئله وجود داشته باشد. ولی تنها دلیلی که تلاش ترکیه برای میانجیگری میان ایران و ۵+۱ را گسترش می‌دهد ایجاد ثبات در منطقه و حفظ موازنه در منطقه است.

تنها رویکردی که امنیت ملی ترکیه را برآورده می‌کند همین رویکرد است. اما این رویکرد، تغییرات گسترده‌ای را در فرهنگ سیاسی داخلی ترکیه به‌دنبال خواهد داشت. این تغییر اجتناب‌ناپذیر است و اگر در حال حاضر هم رخ ندهد در آینده حتماً رخ

خواهد داد.



عنوان: ایران کمربندها را محکم بسته است^۱
منبع: Economist^۲

نویسنده مقاله در تحلیل مفصلی از چالش‌هایی که حکومت جمهوری اسلامی ایران با آن روبه‌رو است می‌نویسد: انزوا، تحریم‌های بین‌المللی و حذف یارانه‌ها نویدبخش دورانی دشوار برای ایران است. نویسنده در مقدمه این مطلب خاطر نشان می‌کند: از صندوق جهانی پول گرفته تا رهبران ایران همه می‌دانستند که صرف سالیانه قریب به صد میلیارد دلار یارانه دولتی برای ارزان نگاه داشتن بهای سوخت و سایر کالاهای اساسی مردم نباید ادامه یابد. محمود احمدی‌نژاد و دولت وی هرچند با تأخیر ولی مجبور به برداشتن این گام شده و از واکنش مردم ایران می‌توان دریافت که حتی طرفداران پروپا قرص نظام هم از این تغییر ناراضی و نگران هستند. استدلال دولت این است که براساس «طرح اصلاح یارانه‌ها» و در کنار آن پرداخت وجه نقد ماهیانه به بخش گسترده‌ای از خانوارهای ایرانی، وضعیت مردم بهتر از قبل خواهد بود.

رئیس‌جمهوری ایران مدعی است که در پایان دوران پنج‌ساله‌ای که به تدریج تمام یارانه‌ها حذف خواهند شد، «ایران بهشت روی زمین خواهد بود». به نظر می‌رسد که این طرح به بخشی از اهداف خود که مبارزه با مصرف افراطی و صرفه‌جویی است خواهد رسید. ولی این طرح و نحوه اجرای آن در عین حال تورم‌زا است. با وجود این، طرح حذف یارانه‌ها از سوی همه جناح‌های حکومتی و حتی سرسخت‌ترین منتقدان رئیس‌جمهور مورد حمایت قرار گرفته است. هرگونه انتقاد یا مخالفتی در این زمینه

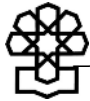
1. The regime tightens its belt and its fist, Economist, Jan 13th 2011.

۲. هفته‌نامه معتبری که حوزه‌های مختلف مسائل اقتصاد بین‌الملل را مورد تحلیل قرار می‌دهد.



مساوی با خیانت به نظام تلقی خواهد شد چون جمهوری اسلامی اکنون در یک وضعیت فوق‌العاده ملی قرار دارد. در این شرایط، مهمترین عامل در تشدید انزوای ایران و بزرگ‌ترین ضربه هم برای اصلاحات و هم برای سرکوب، تحریم‌های فزاینده بین‌المللی است. جلب موافقت تمامی اعضای شورای امنیت، به‌خصوص چین و روسیه و سپس اعمال تحریم‌های بیشتری از سوی دولت آمریکا و اتحادیه اروپا، تأثیرگذار و اقدامی موفقیت‌آمیز است. نویسنده یادآوری می‌کند تا زمانی که ایران می‌تواند نفت خود را بفروشد سیستم حکومتی فعلی و بلندپروازی‌های آن مثل تبدیل شدن به یک قدرت هسته‌ای و گسترش نفوذ در منطقه ادامه خواهد یافت. در عین حال حکومت ایران هنوز به نیت دولت فعلی آمریکا برای مذاکره سوءظن دارد چنانچه شاهد آن بودیم که دور قبلی مذاکرات ایران با قدرت‌های جهانی به نتیجه‌ای نرسید.

نویسنده می‌افزاید در مجموع، جناح تندرو در حکومت ایران از انزوا و فشار بین‌المللی بر آن کشور بهره می‌برد. نویسنده در پایان این تحلیل می‌نویسد ایران در عرصه سیاست خارجی جمهوری اسلامی از اعتبار خود در جهان اسلام به‌خاطر تداوم ضدیت با آمریکا بهره‌برداری خواهد کرد و همزمان مناسبات اقتصادی خود را با چین که بزرگ‌ترین سپر آن در برابر تحریم‌هاست و همین‌طور کشورهای مثل برزیل و ترکیه گسترش خواهد داد. در عرصه داخلی، طرح حکومت در مجموع تدافعی است و آن کسب آمادگی برای چالش‌های اقتصادی، سیاسی و احتمالاً نظامی است که در پیش روی خواهد داشت.



عنوان: چشم‌انداز ایران^۱
نویسنده: جاناتان پاریس
منبع: Legatum Institute^۲

نویسنده در این گزارش خاطرنشان می‌کند که مدیریت اقتصادی ایران وضعیت مناسبی نداشته و فشار تحریم‌های بین‌المللی این وضعیت را دشوارتر کرده است، ولی با این همه بعید است که حکومت ایران در مورد برنامه هسته‌ای خود سازش کند. نویسنده یادآوری می‌کند که پس از شکست مذاکرات سال ۲۰۰۹ بین ایران و قدرت‌های بزرگ جهانی، سازمان ملل متحد در تابستان گذشته چهارمین مجموعه تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران را به تصویب رساند. پس از آن دولت آمریکا و اتحادیه اروپا نیز هریک تحریم‌های یک‌جانبه‌ای را علیه حکومت ایران به اجرا گذاشتند. در این گزارش آمده است که با وجود فشارهای ناشی از تحریم‌های اخیر به‌خصوص در عرصه صنایع نفت و گاز و معاملات بانکی ایران، بعید است این کشور مسیر خود را تغییر دهد. نگارنده این گزارش، می‌نویسد: «حقیقت این است که حتی با وجود فشارهای اقتصادی شدید، این موضوع در محاسبات ایران جای چندانی ندارد. اگر شدت تحریم‌ها به‌شکل چشمگیری افزایش نیابد، رهبران ایران پیامدهای داخلی آن را تهدیدی جدی برای موجودیت خود تلقی نخواهند کرد». اگر حکومت ایران بتواند از این دور جدید تحریم‌ها جان سالم به در ببرد آنها به این نتیجه خواهند رسید که جامعه بین‌المللی نخواهد توانست برای همیشه یکپارچگی و هماهنگی خود را در

1. Jonathan Paris, Prospects for Iran, Legatum Institute, January 201.

۲. مؤسسه لگاتوم از مراکز تحقیقاتی در کشور انگلستان که به مسائل مختلف بین‌المللی از جنبه‌های اقتصادی و توسعه و امنیتی می‌پردازد.



اجرای این مقررات حفظ کند. اگر این تحریم‌ها رژیم ایران را به سازش وادار نکند در آن صورت تنها ابزار دیگری که خواهد توانست رهبران ایران را به عقب‌نشینی وادارد، تهدید جدی به حمله نظامی از سوی آمریکا است.

دولت‌های غربی بر این باورند که تلاش جدی ایران در ادامه غنی‌سازی اورانیم پوششی است برای برنامه تولید سلاح‌های هسته‌ای یا دست‌کم رسیدن به توانایی‌های فنی لازم برای تولید این تسلیحات. عدم توقف غنی‌سازی اورانیم باعث شد که سازمان ملل متحد در تابستان گذشته مجموعه‌ای از تحریم‌های جدید را علیه ایران وضع کند و به دنبال آن آمریکا و اتحادیه اروپا هریک در اقداماتی یک‌جانبه مجازات‌هایی را در مورد بخش انرژی و مالی ایران به اجرا گذاشتند. دولت ایران تأکید می‌کند که هدف از تولید سوخت هسته‌ای استفاده از این سوخت در راکتورهای هسته‌ای جهت تأمین انرژی داخلی و بهره‌برداری بهتر از ذخایر نفت برای صادرات است. نویسنده می‌افزاید که فشار ناشی از تحریم‌های بین‌المللی می‌تواند عامل دیگری برای تضعیف اقتصاد ایران باشد که در سال‌های اخیر وضعیت بدی پیدا کرده است.

افزایش بهای سوخت در ماه‌های اخیر در ایران باعث افزایش نرخ کالاهای اساسی دیگر خواهد شد که در این میان افزایش بهای مواد غذایی می‌تواند به آشوب‌های اجتماعی و سیاسی منجر شود، کما اینکه نمونه این حوادث را در تونس شاهد بودیم. با این همه رهبران ایران در شرایط حساس و هرگاه که احساس خطر کنند با یکدیگر متحد می‌شوند. این گزارش در پایان نتیجه می‌گیرد که حکومت ایران به دلیل هراس از ضعیف جلوه کردن، حاضر به سازش با غرب نیست و در مسیر سابق خود حرکت خواهد کرد.



عنوان: بازی دوگانه ایتالیا و آلمان در ایران^۱

نویسنده: بنجامین وینتال، جیولیو مئوتی

منبع: Foundation for Defense of Democracies^۲

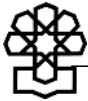
نویسندگان گزارش ضمن بررسی مناسبات اقتصادی دو کشور آلمان و ایتالیا با ایران می‌نویسند با وجود آنکه هر دو کشور ایتالیا و آلمان در تابستان سال گذشته متعهد شدند که تحریم‌های جدید اتحادیه اروپا علیه ایران را به اجرا بگذارند ولی آمارهای جدید نشان می‌دهد که حجم تجارت این دو کشور با ایران در حال افزایش بوده است. در شرایطی که حکومت ایران به برنامه‌های هسته‌ای مشکوک خود ادامه می‌دهد گسترش تجارت با آن کشور به بقای حکومت اسلامی یاری خواهد رساند. طبق آمار جدید مرکز آمار ملی آلمان، واردات این کشور از ایران طی ده‌ماه اول سال ۲۰۱۰ به نسبت دوره مشابه سال قبل حدود ۲۹ درصد افزایش یافته و از رقم ۵۳۸ میلیون به ۶۹۰ میلیون یورو رسیده است. در همین دوره، صادرات آلمان به ایران به نسبت سال ۲۰۰۹ حدود ۵ درصد افزایش نشان می‌دهد و از حدود ۳ میلیارد یورو به ۳ میلیارد و ۱۶۴ میلیون یورو رسیده است. نویسندگان از قول مسئولان سازمان کنترل صادرات آلمان می‌گویند که این نهاد دولتی در سال ۲۰۱۰ شانزده مورد صادرات کالاها و تکنولوژی با مصرف دوگانه را به ایران تأیید کرده‌اند. بخشی از این کالاها که ممکن است برای مصارف نظامی و یا غیرنظامی مورد استفاده قرار بگیرند، قطعات یدکی هلیکوپترهای امدادسانی، قطعات مختلف صنایع فولاد و

1. ULIO MEOTTI AND BENJAMIN WEINTHAL, The Italo-German Double Game in Iran, Foundation for Defense of Democracies, JANUARY 18, 2011

۲. از مراکز پژوهشی که به مطالعات مربوط به ترویج دموکراسی در کشورهای مختلف می‌پردازد.



لباس‌های ایمنی برای تولیدات دارویی بوده است. سخنگوی سازمان کنترل صادرات آلمان می‌گوید بخشی از این کالاها از جمله لباس‌های ایمنی برای تولیدات داروسازی پس از تصویب تحریم‌های اتحادیه اروپا در فهرست کالاهای ممنوع قرار گرفته است چون از این لباس‌ها می‌توان در صنایع مربوط به تولید تسلیحات شیمیایی استفاده کرد. نمونه دیگر از گسترش همکاری‌های اقتصادی آلمان با ایران، تداوم فعالیت «بانک تجارت ایران و اروپا» است که مرکز آن در هامبورگ است. دولت آمریکا این بانک را در فهرست مؤسسات مالی مرتبط با برنامه هسته‌ای ایران قرار داده است ولی دولت آلمان از تعطیل کردن این بانک امتناع می‌کند. پس از بروز مشکلات مربوط به پرداخت ارز معاملات نفتی ایران و هند، دولت ایران از این بانک برای مراسلات بانکی خود استفاده می‌کند. نویسندگان در ادامه مطلب خود به مناسبات اقتصادی ایتالیا با ایران پرداخته و از قول یکی از مسئولان اتحادیه صنایع مکانیک و مهندسی ایتالیا می‌نویسند: «صادرات ما به ایران دوران رونق خوبی را طی می‌کند». براساس آمارهای اتحادیه صنایع مکانیک و مهندسی ایتالیا، صادرات ماشین‌آلات پیشرفته و روباتیک به ایران طی سه ماه اول سال ۲۰۱۰ متناسب با محصولات مختلف بین ۱۰۰ تا ۳۸۰ درصد افزایش یافته است. در کل، صادرات تجهیزات مهندسی ایتالیا به ایران طی سه‌ماهه اول سال ۲۰۱۰ در مقایسه با دوره مشابه در سال قبل ۵۰ درصد افزایش یافته و از رقم ۱۷۲ میلیون به ۲۵۸ میلیون یورو جهش یافته است. همزمان واردات ایتالیا از ایران حتی رشد بیشتری داشته و حجم آن در سال ۲۰۱۰ به نسبت سال ۲۰۰۹ حدود ۱۶۷ درصد افزایش یافته و از رقم یک میلیارد و چهارصد میلیون یورو به سه میلیارد و هفتصد و پنجاه میلیون یورو رسیده است. به‌عنوان مثال واردات نفت



از ایران ۹۰ درصد بیشتر شده و شرکت نفتی «انی» ماه پیش اعلام کرد که حداقل تا سه سال دیگر به واردات نفت از ایران ادامه خواهد داد، زیرا که از محل معاملات قبلی هنوز حدود یک میلیارد دلار به این شرکت بدهکار است. رومانو پرودی نخست‌وزیر سابق ایتالیا نیز چندی پیش برای دیداری خصوصی با مسئولان ایرانی به ایران رفت و در یک کنفرانس خبری مشترک با رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس ایران شرکت کرد. دولت ایتالیا با سخاوت فراوانی با شرکای اقتصادی خود در ایران رفتار می‌کند. در پایان این مطلب نویسندگان نتیجه‌گیری می‌کنند که برای آن‌گلا مرکل صدراعظم آلمان و سیلویو برلوسکنی نخست‌وزیر ایتالیا هنوز هم تجارت با ایران که در مجموع حدود ده میلیارد یورو در سال است، از متوقف کردن برنامه هسته‌ای آن کشور مهمتر است.



عنوان: توانایی‌های هسته‌ای، شیمیایی و بیولوژیکی ایران^۱

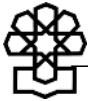
نویسنده: مارک فیتز پاتریک

منبع: The International Institute for Strategic Studies^۲

نویسنده در گزارشی درباره پرونده هسته‌ای ایران ادعا می‌کند اگر ایران راه تولید سلاح را از طریق اطلاعاتی که از عبدالقدیرخان، دانشمند پاکستانی، دریافت کرده طی کند، با توجه به آخرین اطلاعاتی که تا به امروز در دست است، یک سال و هفت ماه دیگر می‌تواند بمب هسته‌ای تولید کند. اگر ثابت شود ایران مرز تولید سلاح هسته‌ای را پشت سر گذاشته، من تردیدی ندارم که به ایران حمله نظامی خواهد شد و اگر چنین حمله‌ای صورت گیرد منجر به جنگی وسیع‌تر می‌شود که تمام ملت ایران و تمام همسایگانش را دربر خواهد گرفت. این بزرگ‌ترین خطری است که تاکنون متوجه ایران بوده است. نویسنده می‌افزاید: «جامعه جهانی بسیار امیدوار بوده و هست که بالاخره در آخرین مرحله، دیپلماسی و تعامل از پیش آمدن چنین فاجعه‌ای جلوگیری کند. اما پس از شکست مذاکرات استانبول و اظهارات مقام‌های ایران در مورد پرونده هسته‌ای به نظر می‌رسد احتمال حل دیپلماتیک مسئله از همیشه کمتر باشد. نویسنده مدعی است در حال حاضر هیچ کشوری حتی کره شمالی حاضر نیست به ایران فناوری و امکانات هسته‌ای بفروشد. احتمالاً کره شمالی نیز دریافته است که چنانچه به ایران فناوری یا مواد و قطعات لازم برای تسلیحات هسته‌ای بفروشد این اقدام

1. Mark Fitzpatrick, Iran's Nuclear, Chemical and Biological Capabilities, The International Institute for Strategic Studies, London, February 2011.

۲. مؤسسه بین‌المللی مطالعات استراتژیک از مراکز پژوهشی بین‌المللی که طیف گسترده‌ای از مسائل را مورد ارزیابی و تحلیل قرار می‌دهد.



موجب حمله نظامی به کره شمالی خواهد شد. در این مورد به‌طور اخص به کره شمالی هشدار داده شده است و ایران هم می‌داند عبور از این خط خطری جدی و فوری خواهد داشت. به این ترتیب هیچ کشوری در جهان – بجز برخی اعضای غیرروس شوروی سابق – حاضر نیست در زمینه هسته‌ای با ایران معامله کند. اما اطلاعات و لوازمی که آنها به‌طور غیررسمی به ایران می‌فروشد دست چندان است و از نظر امنیت دستگاه‌ها و تأسیسات ایران بسیار خطرناک هستند». فیتز پاتریک با تأکید بر اینکه توسعه این تأسیسات به‌خصوص تأسیسات دارخوین می‌تواند خطرات جانی و محیط زیستی جدی برای مردم منطقه به‌وجود آورد، می‌افزاید: «فاکتورهای هسته‌ای می‌تواند بسیار خطرناک باشد. همان‌طور که در مورد چرنوبیل دیدیم وقتی راکتوری درست طراحی و ساخته نشده باشد می‌تواند محیط اطرافش را تا شعاع بسیار وسیع آلوده کند و موجب از بین رفتن جان هزاران نفر شود. حال ایران می‌خواهد بدون هیچ کمک خارجی راکتور دارخوین را طراحی کند و بسازد. ایران پیشتر هیچگاه بدون اتکا به کمک خارجی راکتوری نساخته و این اقدام می‌تواند بسیار خطرناک باشد».



عنوان: طلوعی دیگر: دوره‌ای جدید در تاریخ خاورمیانه^۱

نویسنده: جرالده سیب

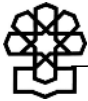
منبع: Wall Street journal^۲

شش دهه گذشته از تاریخ خاورمیانه را می‌توان به سه مرحله دقیق تقسیم‌بندی کرد. شروع این دوره با انقلاب جمال عبدالناصر در ۱۹۵۲ در مصر شکل گرفت. در دومین مرحله، جهان عرب در سال ۱۹۶۷ جنگ را مفتضحانه به اسرائیل واگذار کرد و دور سوم را می‌توان انقلاب اسلامی سال ۱۹۷۹ ایران دانست. اما مرحله چهارم از تاریخ خاورمیانه در ژانویه ۲۰۱۱ در مصر شکل گرفت. اما تأثیر مثبت یا منفی چنین تغییری بر منطقه و همین‌طور بر آمریکا، بستگی بسیاری به حسنی مبارک، محمد البرادعی و در اندازه‌های کوچک‌تر به باراک اوباما دارد. اگر از تاریخ بشود درس گرفت، این روند اگر نگوییم سال‌ها، که شاید ماه‌ها به طول بیانجامد تا زمانی که نتیجه و برآمد آن به‌درستی روشن شود.

ناآرامی‌های مصر بر پاشنه همان داستانی می‌چرخد که پیش از این در تونس، در مقیاسی کم‌اهمیت‌تر، اتفاق افتاد. این دو جریان مفهومی مشترک دارند: این دو جریان تنها بر یک ملت تأثیر نهد، بلکه نگاه تمام کشورهای منطقه را به خودشان تغییر داد. هر اتفاقی که در این دو سرزمین بیفتد، به‌گونه گسترده‌ای بر تمامی خاورمیانه تأثیر می‌گذارد و این خود گویاست که چرا سیاست خارجی آمریکا تا این

1. GERALD F. SEIB, Now Dawning: The Next Era of Middle East History, Wall Street journal, FEBRUARY 1, 2011

۲. وال استریت ژورنال از نشریات پرشمارگان ایالات متحده است.

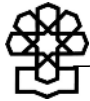


اندازه به جریانات این دو کشور حساسیت نشان داده و می‌دهد. انقلابی که به رهبری جمال عبدالناصر انجام شد، آغاز زنجیره جریانات بود؛ نه تنها به این سبب که قدرت سنتی و بی‌اعتبار شده سلطنت اعراب را به‌دست شورای نظامی سپرد، که عبدالناصر مبتکر ایده میهن‌پرستی عربی نیز بود. عبدالناصر نیروی پشت انقلاب ۱۹۵۲ بود؛ هرچند که نزدیک به چهار سال طول کشید تا بتواند قدرت خود را تثبیت کند و هنگامی که موفق به این کار شد، گامی فزاینده رفت و خود را نه تنها رهبر بالفعل مصر، که رهبر سرزمین گسترده اعرابی خواند که هنوز از شکل‌گیری کشوری به نام اسرائیل خشمگین بودند. با شکست مصر و دیگر ارتش‌های هم‌پیمان این کشور در سال ۱۹۶۷، طی جنگ اعراب و اسرائیل، این طرز فکر تغییر کرد. روشنفکران عرب و همچنین شهروندان معمولی به دیدگاه «میهن‌پرستی عربی» شیوه جمال عبدالناصر شک کردند. سپس، نزدیک ۱۲ سال پس از آن، انقلاب اسلامی ایران به وقوع پیوست.

هرچند که این انقلاب در دنیای عرب اتفاق نیفتاد، ولی همسایه غول‌آسایی چون ایران، دنیای عرب را به این فکر انداخت که «قوانین اسلامی» گزینه‌ای است که می‌تواند جای «میهن‌پرستی عربی» را بگیرد. این دو ایده رقیب یکدیگر شدند و رهبران سنتی و سکولار عرب، از جمله حسنی مبارک، به دفاع از موجودیت خود پرداختند و تلاش کردند که قدرتشان را از دست ندهند. اکنون اغلب کسی به یاد نمی‌آورد ولی مسیر انقلاب ایران نیز در ابتدا مشخص نبود. اولین دولت پس از انقلاب ایران به‌وسیله چپ‌ها اداره می‌شد. ماه‌ها طول کشید تا همه‌پرسی ملی برگزار شود و تصمیم گرفته شود که نوع حکومت ایران جمهوری اسلامی باید باشد و پس از آن بود که تازه قانون اساسی جمهوری اسلامی نوشته شد و در نهایت، تا زمانی که رئیس‌جمهور



سکولار ایران، ابوالحسن بنی‌صدر در سال ۱۹۸۱ استیضاح نشده بود، هنوز تسلط روحانیت در رژیم ایران روشن نشده بود. به همین دلیل است که چگونگی هدایت و پیش بردن این درام مصر تا این اندازه اهمیت دارد. اگر آقای مبارک تصمیم بگیرد که مرحله گذار را تا برگزاری انتخاباتی آزاد رهبری کند، اگر آقای البرادعی بتواند پلی بسازد تا دولتی مردمی و دین جدا شکل بگیرد، اگر آقای اوباما به‌عنوان رهبر مهمترین کشور حامی اقتصادی مصر، می‌توانست تمام جناح‌ها را تا رسیدن به چنین نتیجه‌ای ترغیب کند، خوب در این صورت شاید بتوان گفت که مرحله تازه برای واشنگتن دوره‌ای خجسته خواهد بود. اگر می‌خواهید مثبت‌اندیش باشید، واژگان پیشگویانه محمد هیکل را به یاد بیاورید. وی گفت: «با تأثیر تلفن همراه، رایانه، ماهواره و... نسلی ساخته شده که با شیوه‌های سنتی قابل کنترل نیستند. به‌طور معمول، نسل‌ها خود را بازتولید می‌کنند. ولی اتفاق دیگری در حال وقوع است». این دیگر، می‌تواند مثبت یا منفی باشد. هنوز نمی‌دانیم.



عنوان: آمریکا باید اعتراض‌های خیابانی را تقویت کند^۱

نویسنده: ری تکیه

منبع: WashingtonPost^۲

نویسنده در این گزارش به بررسی سیاست آمریکا در قبال تحولات داخلی ایران پرداخته و با مداخله در امور داخلی ایران تأکید کرده است که آمریکا باید از جریان‌های اعتراضی خاورمیانه و از جمله اعتراض‌های خیابانی ایران حمایت کند. بر این اساس، نویسنده در ابتدای گزارش با اشاره به تحولات اخیر در خاورمیانه معتقد است که اگرچه موج گذار به دموکراسی در خاورمیانه از نظر ایران بازتاب انقلاب اسلامی محسوب می‌شود اما این دومینو به ایران نیز رسیده است. به اعتقاد نویسنده علیرغم اینکه به سختی می‌توان مدعی شد که موج اعتراضی در خاورمیانه از ایران شروع شده، ولی واقع‌گرایانه است اگر بگوییم در این موجی که به راه افتاده، ایران عقب نمی‌ماند و تحولات منطقه بر ایران نیز تأثیرگذار است. در واقع خاورمیانه از زمان کسب استقلال هم‌اکنون شاهد بزرگ‌ترین تغییر در درون خود در مسیر گذار به دموکراسی است. در این میان اگرچه برخی از سیاست‌گذاران و یا تحلیلگران سیاسی نسبت به حاکمیت اسلام‌گرایان نگرانی و ترس عمیقی دارند، اما باید توجه داشت که آنچه در خیابان‌های کشورهای عربی شاهد آن هستیم، نه درخواست و حرکت به سمت پان‌عربیسم و عربگرایی و یا اسلام‌گرایی است؛ بلکه اعراب به‌دنبال جهان عربی مدرن و مخالفت با حکومت‌های دیکتاتوری و ایدئولوژیک منطقه هستند. از دیدگاه

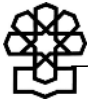
1. Ray Takeyh The US must empower the Green Movement, Washington Post, 17 February 2011.

۲. از نشریات معتبر در حوزه مسائل سیاست بین‌الملل است.



نویسنده در همین راستا، جنبش اعتراضی ایران که پس از انتخابات ریاست جمهوری سال گذشته شکل گرفت، آغازگر این حرکت در خاورمیانه نبود اما جلودار شکل‌دهی به این موج در منطقه بود.

نویسنده در ادامه گزارش، به تأثیر اعتراض‌های خیابانی در ایران پرداخته و تأکید کرده است که گام‌های اولیه این اعتراضات فراز و نشیب‌های زیادی دارد، اما به هر حال منطق متعارف در مورد تلاش برای توقف فعالیت‌های هسته‌ای ایران را محدودتر می‌کند زیرا که از یکسو قدرت‌های بزرگ چون روسیه و چین که به دنبال نوعی ثبات هستند، با تحریم‌های بیشتر ایران مخالفت خواهند کرد. از سوی دیگر دولت‌های عربی هم که درگیر حفظ مقام و یا از دست دادن آن هستند، در انزوای جمهوری اسلامی حضور فعالی نخواهند داشت. اقدام نظامی هم که از گذشته مورد استقبال نبود، به حاشیه رانده خواهد شد چراکه حضور نیروهای نظامی علیه تأسیسات اتمی جمهوری اسلامی به رادیکالیزه و تندرو شدن دولت‌های عربی - در شرایطی که این کشورهای در حال حرکت به سوی مدرنیزاسیون و دموکراسی هستند - منجر خواهد شد. با این وجود همه چیز هم از دست رفته نیست زیرا که کلید اصلی حل معمای هسته‌ای ایران، حرکت رو به جلوی جریان اعتراضی در داخل کشور بوده است و از این طریق می‌توان به تغییر سیاست‌های ایران و کند شدن روند هسته‌ای شدن آن امید داشت. بنابراین غرب که در گذشته از راه‌های مخفی و با کمک گرفتن از مؤسسات و سازمان‌های زیاد و گسترده‌ای از جمله کلیسای کاتولیک و اتحادیه‌های کارگری و... استفاده کرد تا با ناراضیان در تماس باشد هم‌اکنون باید حمایت خود از این جریان اعتراضی در ایران را تشدید کند. در واقع بخش‌هایی از جامعه مدنی ایران



مانند سندیکا‌های کارگری، سازمان‌های جوانان و روحانیون ناراضی و معترضان لیبرال و آزادیخواه در دانشگاه‌ها که به شکل گسترده‌ای آشوبگرانه و فعال عمل می‌کنند، مستحق دریافت کمک و مشاوره آمریکا هستند.

بنابراین غرب به دلایل امنیتی و یا به دلایل ایدئال‌گرایانه و یا به هر دلیل دیگر، باید این مسئله را تشخیص دهد که تنها راه حل جلوگیری از دستیابی ایران به بمب اتمی، جنبش سبز است. از نظر نویسنده با توجه به تلاش ایران در تقویت جریان مقاومت در منطقه، تلاش برای توقف فعالیت‌های ایران از طریق حمایت از جریان اعتراضی داخلی این کشور مسئله‌ای اساسی است که باید به‌طور جدی در دستور کار قرار داشته باشد. در این میان، راه‌حل‌های دیپلماتیک خیال‌های واهی است که نباید چشم جامعه جهانی را بر آسیب‌پذیری‌های نظام جمهوری اسلامی ببندد. بنابراین بهترین و مؤثرترین راه‌حل برای خلع سلاح جمهوری اسلامی، سرمایه‌گذاری روی جنبش رام نشدنی سبز است.



عنوان: ایران در پی نوسازی فناوری اتمی است^۱

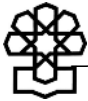
نویسنده: David Crawford

منبع: Intelligence Quarterly^۲

براساس یکی از گزارش‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، ایران به دنبال تلاش برای دو برابر کردن توانمندی غنی‌سازی اورانیم و حتی نوسازی تأسیسات هسته‌ای خود است. این مسئله به‌ویژه پس از آنکه حمله ویروس استاکس‌نت به این تأسیسات صورت گرفت و برخی از آنها به شکل گسترده‌ای از کار افتادند تشدید شده است. از نظر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، ایران به دنبال جایگزینی هزاران سانتریفیوژ - از جمله سانتریفیوژهای کاربون - فایبر که سرعت آنها پنج برابر سانتریفیوژهایی است که ایران در حال حاضر در دست دارد - می‌باشد تا از این طریق مدل‌های مدرن‌تر و به‌روزتر را به کار بگیرد. همچنین ایران درصدد تعویض و جایگزینی کامپیوترها و تجهیزات الکترونیک در تأسیسات اتمی در مرکز غنی‌سازی اورانیم در نطنز است زیرا که به اعتقاد کارشناسان به دنبال حمله ویروس استاکس‌نت، ایران به مدت دو سال از برنامه عقب افتاده و مجبور است شمار گسترده‌ای از تأسیسات الکترونیکی را تعویض و جایگزین کند. حمله ویروس استاکس‌نت به تجهیزات الکترونیک در تأسیسات اتمی ایران - اگرچه مسئولیت آن توسط هیچ شخص و یا گروهی مورد پذیرش قرار نگرفته است - اما به اعتقاد بسیاری از کارشناسان نتیجه

1. David Crawford, Iran Pushing to Upgrade Enrichment Gear: IAEA, Intelligence Quarterly, 18 February 2011.

۲. از فصلنامه‌های معتبر در حوزه مسائل سیاسی - امنیتی است.



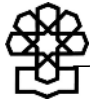
فعالیت‌های مأموران اطلاعات امنیتی خارجی از جمله آمریکا و اسرائیل بوده و عامل اصلی کندکننده برنامه اتمی ایران شده است.

در این میان اگرچه حمله ویروس استاکس‌نت به تجهیزات الکترونیک در تأسیسات اتمی ایران به کند شدن روند هسته‌ای شدن ایران منجر شده است؛ اما از نظر مقامات رسمی آمریکایی، ایران برخلاف قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل مشغول غنی‌سازی اورانیم برای تولید بمب اتمی است. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی هم معتقد است فقدان همکاری مناسب ایران با آژانس هنوز اجازه نداده که این آژانس غایت و نیت برنامه اتمی جمهوری اسلامی را اعلام کرده و بگوید نظامی یا غیرنظامی است؛ اما ایران تأکید دارد که برنامه اتمی را برای اهداف صلح‌آمیز دنبال می‌کند. با این وجود گزارش‌های آژانس‌های اطلاعاتی آمریکا نشان می‌دهد که رهبران ایران هنوز در مورد حرکت به سمت ساخت سلاح اتمی در حال مناظره و تبادل نظر هستند.

این مسئله نشان می‌دهد که فشارها و تحریم‌های جهانی و حمله استاکس‌نت برای توقف فعالیت‌های هسته‌ای ایران مؤثر بوده است. از سوی دیگر علیرغم اینکه این سیاست‌ها نقش مؤثری در مقابله با ایران هسته‌ای داشته است، اما دستیابی ایران به سانتریفیوژ کربن فایبر باعث نگرانی است زیرا که سبب تسریع در فعالیت‌های هسته‌ای ایران شده و وقفه به وجود آمده را پر می‌کند. اما باید در نظر داشت که ایران در حال حاضر به حدود شش هزار سانتریفیوژ نیاز دارد تا در طول یک سال، اورانیم غنی شده برای تولید بمب را آماده کند. به گزارش یک مقام دولت آلمان، با سانتریفیوژهای جدید شاید ایران بتواند کمتر از ۱۲ هفته مواد لازم برای تولید بمب را به دست آورد.



بنابراین اگرچه با تداوم فشارها و تأثیرات استاکسنت بر فعالیت‌های هسته‌ای ایران، برنامه غنی‌سازی آن با مشکل مواجه شده به‌گونه‌ای که به گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی حدود ۲۵ ردیف از زنجیره‌های ۵۴ تایی غنی‌سازی، با توقف روبه‌رو شدند و ارزیابی دقیقی از اینکه چقدر طول می‌کشد کارشناسان ایرانی سانتریفیوژهای کربن فایبر را نصب کنند در دسترس نیست اما فعالیت‌های ایران برای جبران این عقب‌افتادگی ادامه دارد. از این‌رو آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قصد دارد با توجه به گزارش‌های بازرسان آژانس و یافته‌های دیگر کشورهای عضو، ارزیابی دقیقی از فعالیت‌های هسته‌ای مرتبط با امور نظامی ایران به‌دست آورد. این گزارش‌ها ممکن است به پرسش‌های بیشتر آژانس از ایران منتهی شده و موارد بیشتر و دقیق‌تری را اعلام کند. از سه سال پیش تاکنون، ایران به درخواست‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای بازرسی از مراکز نظامی مرتبط با فعالیت‌های اتمی، پاسخ نداده است. این درحالی است که آژانس تأکید دارد که برای رسیدن به صحت گفته‌های ایران در مورد فعالیت‌های اتمی، باید این مراکز مورد بازرسی قرار گیرند. همچنین ایران اجازه نمی‌دهد افراد مرتبط با این فعالیت‌ها از سوی بازرسان آژانس مورد گفتگو قرار گیرند.



عنوان: ایران، اعتراض‌های کشورهای عربی را پیروزی اسلام‌گرایان می‌داند^۱
 نویسنده: ویلیام یانگ
 منبع: Nytimes^۲

نویسنده در این گزارش به بررسی سیاست ایران در قبال تحولات اخیر در خاورمیانه پرداخته و تأکید کرده است که مقامات ایران اعتراضات اخیر در جهان عرب را از جنس انقلاب اسلامی سال ۱۹۷۹ خود می‌بینند. بر این اساس رهبران ایران با امیدواری از اینکه شاید اعتراض‌های سریع سرزمین‌های عربی، گشایشی برای نیروهای اسلام‌گرا ایجاد کند، ابراز رضایت عمیقی از حوادث تونس، مصر و یمن - به‌عنوان کشورهایایی که رهبران سکولار آن با شورش‌های وسیعی مواجه شده‌اند - دارند. از سوی دیگر اگرچه جریان‌اتی در داخل و خارج کشور درصدد شبیه‌سازی تحولات اخیر جهان عرب با اعتراضات خیابانی پس از انتخابات سال گذشته ایران دارند اما مقامات ایرانی تأکید دارند که شباهت کمی میان آن اتفاقات و شورش‌های عرب می‌بینند و انقلاب‌های اخیر را در ارتباط با موج اسلام‌گرایی ناشی از انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ می‌دانند. در این زمینه مقامات ایرانی با اظهار شادی از سقوط رژیم‌های خودکامه سکولار و غرب‌گرای عربی اظهار امیدواری می‌کنند که یک سلسله «دولت‌های مردمی» جایگزین دولت‌های «غیراسلامی» در منطقه شود و یکی از اعضای جریان‌ات اسلام‌گرا، موقعیت کنترل شرایط را به‌دست گیرد و مدل پیروزی انقلاب اسلامی در این کشورها پیاده شود - همان‌گونه که وقتی که مردم ایران، رژیم

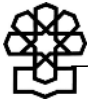
1. WILLIAM YONG, Iran Sees Rise of Islamic Hard-Liners Nytimes, 29 January 2011.

۲. از مهمترین و پرتیراژترین نشریات آمریکایی است.



پهلوی را سرنگون کردند، آنها این کار را انجام دادند - از سوی دیگر از نظر رهبران ایران آمریکا و سایر قدرت‌های غربی درصدد مدیریت بحران اخیر خاورمیانه هستند تا از استقرار نظام‌های مردمی و اسلام‌گرا در منطقه جلوگیری کنند.

براین اساس در سیاست ایران در قبال تحولات اخیر در خاورمیانه با شبیه‌سازی پیروزی انقلاب اسلامی ایران و تحولات اخیر در منطقه، تلاشی برای تقویت جریان اسلام‌گرای خاورمیانه صورت می‌گیرد. بنابراین اگرچه مفسران خارجی تلاش کرده‌اند تا میان سرنگونی رژیم‌های عربی و اتفاقات ایران تشابهاتی را ترسیم و تفاوت‌هایی را تشخیص دهند اما از نظر مقامات ایرانی و بسیاری دیگر از کارشناسان منطقه خاورمیانه، چنین تشابهاتی نادرست و غیرقابل قبول است. در واقع با توجه به شرایط متفاوت جامعه ایران و نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران با جامعه و نظام‌های سیاسی عربی هیچ‌کس نمی‌تواند تحولات سیاسی - اجتماعی جامعه عرب و ایران را با یکدیگر مقایسه کند.



عنوان: خشم مردم آمریکا در خاورمیانه و ملامت آمریکا از سیاست‌های خود^۱

نویسنده: گراهام ای. فولر

منبع: The Christian Science Monitor^۲

سیاست‌های سابق دولت‌های آمریکا در خاورمیانه در حمایت از حکومت‌های منطقه و کسب منافع کوتاه‌مدت آمریکا هم‌اکنون به ناآرامی‌هایی دامن زده که در سراسر منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا فراگیر شده است. در این شرایط آمریکا باید بیاموزد که چگونه با انقلاب گروه‌های مخالف میانه‌رو، از جمله اخوان المسلمین مصر، روبه‌رو شود. در واقع آمریکا باید بداند که تنش و خشم کنونی در این منطقه از مدت‌ها قبل در حال شکل‌گیری بوده و سیاست‌های آمریکا در حمایت از نظام‌های منطقه به شرایط کنونی منجر شده است. همچنین آمریکا باید بداند که اگرچه هنوز معلوم نیست که این شورش‌ها تا به کجا پیش می‌روند اما خواسته مردم منطقه این است که کنترل زندگی و سرنوشت خود را به دست گیرند و این امر نیز مستلزم پایان دادن به مداخله دائمی آمریکا در منطقه است. بنابراین در آینده بسیار نزدیکی آمریکا باید این جوامع را به حال خود رها کرده و به تلاش‌های متعصبانه و بی‌پایان خود در دخالت در حیات سیاسی دولت‌های خاورمیانه که براساس دیدگاه کورکورانه «منافع آمریکا» شکل گرفته پایان دهد. براین اساس امروز خاورمیانه آخرین پایگاه آمریکا در جهان است که حکومت‌های فاسد را تحت حمایت و تحت سلطه خود جای داده است. در این

1. US can blame itself for anger in the Middle East, and start making peace” و Graham E. Fuller The Christian Science Monitor, February 4, 2011.

۲. کریستین ساینس مانیتور یکی از پایگاه‌های مهم تحلیلی است.

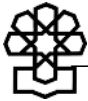


شرایط تعجبی ندارد که شورش‌ها و اظهارات ضدآمریکایی فراوانی از این منطقه که اکنون به دیگ بخاری تبدیل شده برمی‌خیزد؟

نویسنده در ادامه این گزارش این سؤال را مطرح می‌کند که چرا آمریکا می‌خواهد این نقش نیمه‌استعماری منفور و زیانبار خود در خاورمیانه را حفظ کند؟ این مسئله اگر که با توجیه تداوم منافع نفتی آمریکا است این سؤال مطرح می‌شود که کدام دیکتاتوری تاکنون نفت را از ما دریغ کرده است؟ به‌علاوه باید توجه داشت که آمریکا چندان هم به نفت خاورمیانه متکی نیست چنانچه عربستان در میان پنج تأمین‌کننده نفت آمریکا (کانادا، مکزیک، عربستان سعودی، ونزوئلا و نیجریه) در رده سوم قرار دارد.

از سوی دیگر این سؤال مطرح می‌شود که آیا این سیاست‌های آمریکا در راستای حمایت از اسرائیل است؟ زیرا که اسرائیل با توجه به جمعیت سرانه‌اش بیش از هر کشور دیگری کمک خارجی آمریکا را دریافت می‌کند و هنوز هم آمریکا از اسرائیل علیه فلسطینیان پشتیبانی می‌کند. اما چرا این کشور باید به‌عنوان سنگ محک هر آنچه آمریکا در منطقه انجام می‌دهد به‌شمار آید؟ این درحالی است که اسرائیل از نظر نظامی قدرتمندترین کشور در خاورمیانه است و به‌خواست خود و تحت حمایت «وتو» ی آمریکا در خاورمیانه عمل می‌کند و سیاست داخلی ما را به نفع خود تغییر می‌دهد و امروزه نیز شاهد انعطاف‌ناپذیرترین و افراطی‌ترین دولت راست‌گرا در تاریخ اسرائیل هستیم.

در این شرایط هنوز به نظر نمی‌رسد که آمریکا حتی با دیدن دلسردی، خشم و خشونت‌های به راه افتاده در خاورمیانه، لزوم تغییر رویه خود را پذیرفته باشد. آمریکا هنوز خواسته‌های مردمی خاورمیانه را که اکنون آن را در هر کجا به چالش



می‌کشد درک نکرده است. هنوز تمایلات غفلت‌گرانه زمان جنگ سرد برای ایجاد توهم «ثبات» در جهان به هر قیمت ممکن به‌کار گرفته می‌شود و از هرکس که «طرفدار غرب» است پشتیبانی می‌شود. این درحالی است که آمریکایی‌ها معتقدند که طرفدار دموکراسی و ایجاد دموکراسی‌اند، ولی دولت آن این‌گونه فکر نمی‌کند. آمریکا طرفدار دموکراسی است، ولی فقط تا زمانی که به نفع رهبران و سیاست‌های آن باشد و همچنین منافع آمریکا، و نه آنها، را به خطر نیندازد. ایجاد دموکراسی همواره به مانند مجازاتی بوده که آمریکا تقدیم دشمنان خود کرده و هیچ‌گاه هدیه‌ای برای دوستان آن نبوده است. در این وضعیت آمریکا امیدوار است انتخابات منجر به روی کار آمدن رهبران «ضدآمریکایی» نشود. اما معنی «ضدآمریکایی»، به‌جز خواست مردم برای داشتن یک حاکم واقعی که از آن محروم‌اند، چیست؟

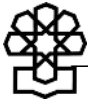
در ادامه گزارش نویسنده تأکید می‌کند که آیا پاسخ آمریکا به چند دهه مبارزات «ضدآمریکایی» کم‌وبیش همان است؟ آیا آمریکا قادر نیست بپذیرد که اکنون نیاز به انتخابات آزاد است؟ درواقع اگرچه ممکن است مردم خشمگین منطقه در ابتدا از سیاست‌هایی که آمریکا دوست ندارد حمایت کنند و حکومت‌های «ضدآمریکایی» سوریه و ایران با دلگرمی نظاره‌گر تحولات منطقه باشند اما این مسئله یک ضرورت اساسی برای آمریکاست تا احساسات ضدآمریکایی در منطقه را کاهش دهد. براین اساس آمریکا باید بداند که احساسات ضدآمریکایی نه به‌خاطر این نیست که «مردم خاورمیانه از ارزش‌های آمریکا متنفرند» بلکه آنچه آنها دوست ندارند، نبود ارزش در سیاست خارجی آمریکا و ادعاهای ریاکارانه آن برای برقراری دموکراسی - مگر در مواقعی که نیازهای فوری آمریکا از آن طریق برآورده شود - است.

در این شرایط اگرچه آمریکا با ترس و احتیاط در مورد پایان مبارک در مصر رفتار



کرد و درحقیقت این مشت آهنین حکومت مبارک بود که به اخوان المسلمین کمک کرد تا امروز به مهم‌ترین حزب مخالف در مصر تبدیل شود اما چه خواهیم چه نخواهیم، در این برهه از تاریخ، احزاب اسلام‌گرا ارج و قرب بیشتری نسبت به دیگر احزاب در جهان اسلام دارند؛ آنها به‌طور پیش‌فرض تبدیل به حزب مخالف شده‌اند. با این وجود مواضع اعضای آن از میانه‌رو تا افراط‌گرا به شدت متنوع است و این جنبش‌ها به‌طور ثابت در حال رشد و تحول‌اند. از دیدگاه نویسنده، آمریکا باید بیاموزد که با میانه‌روها همکاری کند و این در مصر شامل اخوان المسلمین نیز خواهد شد. آنها، به‌ویژه با نگاهی به سیاست‌های گذشته آمریکا، تمایلی به دوست داشتن آمریکا ندارند، ولی اخوان المسلمین به مدت نیم قرن از اعمال خشونت خودداری کرده و بسیار با احتیاط حرکت می‌کند. اگر آنها یک منصب عالی‌رتبه را در دولت جدید مصر اشغال کنند، با کمک آمریکا به‌خوبی از عهده آن بخواهند آمد. اخوان المسلمین در صورت به قدرت رسیدن، باید خواسته‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مردم را برآورده کند و با ضد آمریکایی‌گرایی نمی‌توان نیازهای اقتصادی مردم را برآورد کرد و شرایط فعلی همیشگی نیست.

در پایان این گزارش نویسنده نتیجه‌گیری می‌کند که آمریکا نمی‌تواند مواضع خود در خاورمیانه را برای همیشه دنبال کند. زمانی که مردم سیاست‌های آمریکا را نمی‌پسندند، آمریکا نیز این توقع را ندارد که نیروهای «طرفدار آمریکا» در خاورمیانه به قدرت برسند. آمریکا نمی‌تواند به مداخلات پایان‌ناپذیر خود از بیم آنکه ممکن است برخی دولت‌ها مواضع ضدآمریکایی اتخاذ کنند ادامه دهد زیرا هزینه‌ها براساس الگوهای قدیمی آمریکا از «پاکس آمریکانا» (تفوق آمریکا در جهان برای ایجاد صلح) بسیار زیاد شده است.



عنوان: سکوت اسرائیل در قبال عبور کشتی ایرانی از کانال سوئز^۱

نویسنده: ایزابل کرشنر

منبع: Ny times

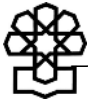
عبور ناوگان دریایی ایران از کانال سوئز و ورود به دریای مدیترانه در مسیر سوریه از سوی مقامات اسرائیل اگرچه اقدامی تحریک‌آمیز خوانده شد اما رهبران اسرائیل به سکوت سنگین خود در این باره ادامه دادند. از نظر اسرائیل این اقدام ایران نشان‌دهنده گسترش حضور تازه‌ای از ایران در منطقه است. این درحالی است که ایران در شمال اسرائیل در قالب حزب‌الله و همچنین در جنوب آن به شکل گروه حماس در غزه حضور دارد و از این‌رو هرگونه تحرک جدید ایران در این منطقه از اهمیت بسیاری برای اسرائیل برخوردار است. بنابراین با توجه به اینکه مسیر این دو کشتی از خروجی کانال سوئز به سوی سوریه، به‌منزله پیشرفت آنان در مقابله با اسرائیل است مقامات اسرائیلی تأکید کرده‌اند که رفتار ناوگان‌های ایران را به دقت تحت نظر دارند. از سوی دیگر اگرچه ایران عبور ناوگان خود از کانال سوئز را اقدامی کاملاً متداول میان ایران و سوریه به‌عنوان کشورهای دوست و نشان‌دهنده همکاری‌های دوسویه این دو کشور دانسته است اما از زمان پیروزی انقلاب اسلامی ایران، این نخستین بار است که کشتی‌های نیروی دریایی ایران از آبراه سوئز می‌گذرند لذا اسرائیل از این اقدام توسعه‌طلبانه ایران شادمان نیست، اما نارضایتی اسرائیل با واکنشی غیرمتعارف و خارج از اندازه این حرکت به آنها همراه نیست

1. ISABEL KERSHNER, Israel Silent as Iranian Ships Transit Suez Canal, Nytimes, 23 February 2011.



چنانچه در این زمینه باراک در خلال دیدار گزارشگران از صنایع هوایی اسرائیل از کشتی‌های ایران سخنی به میان نیاورد و تنها تأکید کرد که سپر پدافند موشک‌های آرو ۲ اسرائیل، آزمایش شکار هدف‌های موشکی را با پیروزی پشت سر نهاده‌اند زیرا با گسترش آشکار جنگ‌افزار دشمنان اسرائیل در برابر این کشور، اهداف موشکی «تهدید آینده» به‌شمار می‌روند. ایران یکی از دشمنانی است که در برابر اسرائیل جنگ‌افزارهای خود را گسترش می‌دهد. در این میان، وزیر امور خارجه اسرائیل، آویگدور لیبرمن، نخستین کسی بود که توجه دیگران را به برنامه ایران در گسیل کشتی‌های جنگی به منطقه جلب کرد و تأکید کرد که عبور شبانه کشتی‌های ایران از کانال سوئز، این هشدار را به جامعه جهانی می‌دهد که اسرائیل نمی‌تواند چنین تحریکاتی را برای همیشه نادیده انگاشته و نسبت به آنها بی‌تفاوت بماند. همچنین نخست‌وزیر، بنیامین نتانیاهو نیز تأکید کرد که اسرائیل این اقدام ایران را کاملاً جدی می‌داند زیرا که با توجه به ناآرامی‌های گسترده‌ای که در منطقه پس از سرنگونی دولت مبارک در مصر که بیش از ۳۰ سال هم‌پیمان اسرائیل بوده است به‌وجود آمده است ایران تلاش می‌کند که با گذر کشتی‌های جنگی‌اش از کانال سوئز از شرایط ناآرام منطقه برای گسترش نفوذ خود استفاده کند. بنابراین نیازهای امنیتی اسرائیل گسترش یافته و بودجه دفاعی نیز باید براین اساس رشد کند. از سوی دیگر تحلیلگران اسرائیلی معتقدند که ایران درصدد نمایش اقتدار خود برای اسرائیل و آمریکا در منطقه‌ای فرای حضور همیشگی‌اش بوده تا حضور قدرتمند نظامی خود در خلیج فارس را به اثبات برساند.

با این وجود علیرغم اهمیت عبور ناوگان ایران از کانال سوئز و صدور اجازه



گذر کشتی‌ها از این آبراه توسط مصر، مقامات اسرائیل دقت کرده‌اند که انگشت اتهام خود را به‌سوی مقامات کنونی مصر اشاره نرود. بنابراین آنان تأکید کردند که براساس قوانین بین‌الملل، مقامات مصر نمی‌توانند در شرایط صلح با کشوری از گذر کشتی‌ها از این آبراه جلوگیری کنند مگر اینکه آن کشور در حال جنگ با مصر باشد. با این وجود مقامات اسرائیلی که از گذشته ایران را مسئول تسلیح حزب‌الله و حماس می‌دانند از این اقدام ایران نگران هستند.



شناسنامه گزارش

شماره مسلسل: ۱۰۷۵۲

عنوان گزارش: ماهنامه کاوش (۴۰)

نام دفتر: مطالعات سیاسی

تهیه و تدوین: محمود هاشمی چمگردانی

ناظر علمی: ناصر جمالزاده

متقاضی: معاونت پژوهشی

ویراستار تخصصی: مهدی جاودانی مقدم

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی: —

تاریخ انتشار: ۱۳۹۰/۱/۲۹